

بهروز سورن: قبح امپریالیسم ریخته شده است!! پاسخ به چند نقد بجا و بی جا_ مونیورها کدآمد و نقش آنها چیست؟



محمود خلیلی بنظر من یکی از طلایه داران, شاهدان و زخم خوردگان دوران جنایت جمهوری اسلامی است. قطعاً اعتراض ایشان زنگ خطری است برای هر رسانه مستقل تا بازبینی بر عملکرد خود داشته باشد. بی تردید نقد ایشان میتواند بر کوره راه های خبر رسانی گزارشگران روشنگری کند. حتما در آینده به نکات طرح شده از سوی محمود خلیلی توجه بیشتری خواهد شد. همانطور که میگویند: در کنار اینها چهار گردهمائی سراسری در باره کشتار زندانیان سیاسی در ایران از طرف جمعی از جان بدر بردگان کشتارهای جمعی برگزار گردید. در کنار نقدها و انتقادات بجا و درست ما شاهد یک سلسله برخوردهای هیستریک و سازمان یافته از طرف دوستان نا آگاه و دشمنان آگاه به این گردهمائی های سراسری بوده و هستیم.

.....

مونیور معنای فارسی اش نمایشگر است و بزبان بین المللی معانی مختلفی را در بر می گیرد از جمله توجه کردن, ثبت کردن و نظارت داشتن بر یک پروسه در جریان. مونیور یا بزبانی دیگر مانیتور غالباً از دریچه نگاه و نظارت یک فرد و یا یک جریان مطبوعاتی به وقایع موجود طرح و بیان میشود.

در دنیای پیشرفته کنونی بلحاظ تکنولوژیک و امکان دستیابی نسبتاً عمومی به اینترنت, این مونیورها فضای قابل دسترس تری نسبت به گذشته یافته اند. اگر زمانی فیگارو, تایمز و رویتر و سایر کمپانی های توانمند مالی - رسانه ای در حد و حدودی وظیفه مونیورینگ خبری و سیاسی را بعهده داشتند, امروزه تکنولوژی پیشرفته ابزار لازم را در اختیار کانون یا کانون های کوچکتر و محدود تر هم قرار داده است تا بر تحولات سیاسی اجتماعی نظارت داشته باشند.

در مقام مقایسه مینیاتوری و محلی میتوان نقش مونیورهای ایرانی را در دوران پیش از پیدایش اینترنت در کشورمان بررسی کرد. مونیورهای وطنی و بومی و بویژه در سالهای اولیه تغییر نظام پهلوی به جمهوری اسلامی, منابع و نهادهای خبری سیاسی بودند. در این میان میتوان روزنامه های خودرو و مستقل, اطلاعیه ها و نشریات سازمانها و تشکلهای, در مواردی رادیو ها, روزنامه آیندگان و..... را نام برد.

امروزه و با پیشرفت تکنولوژی و ابزار نوین ارتباطی, یک منبع فردی و با استعداد میتواند در سطح بین المللی عرض اندام کند و حتی در روند تغییرات سیاسی اجتماعی در چارچوب یک کشور یا محدوده جغرافیائی نقش مهمی ایفا نماید. نگاهی به تاثیرات نظری نوام چامسکی و یا فعال فیس بوکی در مصر و یا وبلاگ فعالین زنان در همه جا نشان میدهد که دستکم گرفتن قلم و مونیورینگ تنها خطای فاحشی است که چشم بر واقعیات و توانائی های انسانی در عصر جدید می بندد.

در اندازه های کوچکتر نیز میتوان این وسایل را در دستهای افراد نیز مشاهده کرد. رسانه های فعال، چهره های سیاسی، وبلاگنویسان، فیلم برداران، عکاس ها، گزارشگران، فعالین حقوق بشر و امنستی و ... از جمله مراکزی هستند که نقش مونیتر یا مانیتور را در ارتباطات سیاسی اجتماعی انجام میدهند.

هم از اینرو برای دستیابی به حقیقت و واقعیت اتفاقات مهم در سطح کشورها و حتی بلحاظ بین المللی اهمیت مونیترها و بویژه مونیترهای مستقل و غیر وابسته دو چندان است. برخی از این منابع بلحاظ خبری و آن دیگری از زاویه سیاسی و منبع دیگر در زمینه ثبت حقایق مشغول اند.

این مقدمه برای توضیح نوع فعالیت سایتهائی است همانند گزارشگران که تحولات سیاسی اجتماعی در تبعید و ایران را دنبال میکند. به زبانی دیگر این نوع رسانه ها در پی طرح نظرات خود نیستند و هم و غمشان تمرکز بر تحرکات نیروهای تبعیدی است بدون آنکه سرمقاله های سیاسی خبری مهم و روزانه را چشم پوشی کنند.

این مقدمه و صغری کبری کردن از اینجهت است که رسانه هائی همانند گزارشگران در قد و اندازه های خودشان وظایفی را بعهده گرفته اند که چشم پوشی از آنها نقض غرض و تهی شدن از محتوی خواهد بود. این وظایف همانا انعکاس نظرات و اندیشه های متفاوت و رنگارنگ در جامعه ایرانیان و بویژه در تبعید است. با عباراتی دیگر میتوان مختصات سیاسی خبری بودن این نشریه را تعریف کرد.

گزارشگران سیاسی است بدین شکل که فعالیت و تلاش خودش را در عرصه سیاسی میفهمد. گردانندگان آن سیاسی هستند و حتی تعلق خود را با رد کردن بسیاری از تبلیغات پولساز، نشان داده است. فراز و نشیبهای زیادی داشته است اما از هسته مرکزی و علل وجودی خود پس نیافتاده است. بدانها باور داشته و تدام کار خود را تنها در آن می بینید.

از آنجا که انعکاس هر متن و نظری پیامدهای انتقادی در برخواهد داشت و بسیاری از متون مندرجه در سایت گزارشگران از دریچه ای گرایشی یا فردی پژواک دارد، این رسانه همواره مورد نقد واقع شده است. از نقد کتبی و علنی تا تهدیدات و فحاشی های نامه نگاری (امیل) و گاهها فشارهای شکایت و دادگاهی کردن مسئولان این سایت همیشه مشغله ما بوده است.

صد البته ما بکار خود ادامه داده ایم و هم اکنون نزدیک به یک دهه از فعالیت آنلاین و سیاسی خبری ما در تبعید میگذرد. دوستان بسیاری یافته ایم و عزیزان زیادی را نیز در متن فعالیتیمان از کف داده ایم. در همینجا به تمامی آنها درود میفرستیم و سپاس و قدردانی ما ضمیمه این کلمات است.

باری به هر جهت روزها و ماهها و سالها را شکافتیم و با تمامی معضلات و سنگلاخ های موجود خود را در آستانه گذراندن این رسانه از یک دهه تجربه و فعالیت می بینیم. یک دهه تلاطم و تکامل سیاسی اجتماعی در تبعید و در داخل کشورمان در اندازه های خود منتشر کردیم و امروزه بدان غره ایم.

شاید این بهانه ای شد برای پاسخگویی به برخی انتقادات و برخی نکات که با آن درگیر بوده یا هستیم. شاید هم نوشته دوست گرامی آقای محمود خلیلی ما را بر انگیخت تا این کوتاه را نیز بنویسیم.

محمود خلیلی: «تلاش برای کشتار اندیشه»

محمود خلیلی بنظر من یکی از طلایه داران، شاهدان و زخم خوردگان دوران جنایت جمهوری اسلامی است. قطعاً اعتراض ایشان زنگ خطری است برای هر رسانه مستقل تا بازبینی بر عملکرد خود داشته باشد. بی تردید نقد ایشان میتواند بر کوره راه های خبر رسانی گزارشگران روشننگری کند. حتماً در آینده به نکات طرح شده از سوی محمود خلیلی توجه بیشتری خواهد شد. همانطور که میگویند: در کنار اینها چهار گردهمائی سراسری در باره کشتار زندانیان سیاسی در ایران از طرف جمعی از جان بدر بردگان کشتارهای جمعی برگزار گردید. در کنار نقدها و انتقادات بجا و درست ما شاهد یک سلسله برخوردهای هیستریک و سازمان یافته از طرف دوستان نا آگاه و دشمنان آگاه به این گردهمائی های سراسری بوده و هستیم. برآستی این همه کینه و عداوت برای چه؟ کدام هدف و راه کار برای تداوم مبارزه طبقاتی نشان گرفته شده؟ به مسلخ کشیدن زندانیان سیاسی سابق و تلاش برای کشتار اندیشه بهترین هدیه به رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی است چه آگاهانه و تعمداً" و چه نا آگاهانه و غیر عمدی، ایجاد جو تهمت و افترا و به سخره گرفتن زندانیان سیاسی سابق برای رد گم کردن و مخدوش کردن واقعیات با هر توجیه و توسط هر کسی یکی از خواسته های رژیم جمهوری اسلامی ایران است. کسانی که تحت لوای دمکرات منشی در پخش و نشر این اراجیف مشارکت می کنند، با جنگ روانی ای علیه جان بدر بردگان دستگیری می کنند، که هدف آن به حاشیه راندن ابعاد خوفناک سلاخی رژیم جمهوری اسلامی و به سکوت کشاندن شاهدین زنده مانده از آن کشتارهای بزرگ در زندان های رژیم هستند. افترا زنی و انتشار اخبار صریحاً دروغ درباره بازماندگان از کشتارها، علنی کردن اطلاعات، آدرسها و زندگی شخصی فعالین ربطی به دمکراسی و تبادل نظر سیاسی و اجتماعی ندارد. این را هر تازه وارد در عرصه مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی می داند و بعید است افراد و رسانه هایی که خود را در مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی پیگیر می دانند، نفهمند یا ندانند.

البته خود این افراد می دانند با بیان اینکه این نوشته متعلق به ال یا بل و جیمبله است، نمی توانند از زیر بار مسئولیت این عمل شانه خالی سازند

تا جایی که بخاطر دارم بحث هائی در سالهای اخیر حول و حوش دریافتهای مالی از دول و نهادهای امپریالیستی مختلف صورت گرفته است. این مباحث با گذر زمان از تاریخچه فعالیت های تبعیدیان در خارج از کشور از میان نمیروند. زخمهائی باز و در پی مرحم هستند. این دریافتهای مالی بخشا با سیاست گذاری های سازمانهای سیاسی از جمله سازمان مجاهدین، چریکهای فدائی (اقلیت) - شهرزاد نیوز و برخی از رسانه ها همانند رادیو زمانه و ... بوده است. درباره بی بی سی، صدای آمریکا و دویچه وله، رادیو فردا و ... قبلاً نوشته شده است.

بحث های جنجالی پس از گردهمائی چهارم را هنوز بیاد داریم. آیا این مباحثات حل شدند؟ آیا سکوت منتقدین که نامه هایشان میتواند از آرشیوها مجدد خارج شود و زخمها را نشان دهد. کسانی که هنوز بزعم خودشان از نامالیمات آندوران مینویسند. از ارتباطات با نهادهای سوئدی و یا مجانست ها با برخی از سخنرانان اصلاح طلب آیا مشکیشان حل شد؟ آیا بخود نقد کردند؟ تلاش گفتگوها برای مرحم سازی چه بوده است؟ بخشی از این دوستان از درون خود شما بوده اند و برخی دیگر از جنس منتقد شما هستند.

انحصار طلبی و سکتاریسم جوهره هر انحراف مارکسیستی است. البته از مارکسیست هایی گفتگوست که با امپریالیستهای دسته دوم و سوم چرتوپ بازی نمیکنند. و فعلاً هنوز باز گلف را در نظر ندارند.

سایت گزارشگران با پیشنهاد یکی از عزیزان گفتگوها مسئولیت تبلیغات برگزاری چهارمین گردهمائی در گوتنبرگ را بعهد گرفته. بر طبق آمار هنوز موجود در این زمینه اثر گذارترین رسانه در زمینه های تبلیغاتی برگزاری این نشست بود. اینجانب با اطلاع قبلی و با نیتی پاک و بدون خس و خاشاک به دوستان مطرح کردم که کار نوشتاری و یک ساله خود را در شش قسمت در اختیار گردهمائی قرار میدهم که بر دامنه انعکاس و کیفیت گردهمائی افزوده شود. نامی این جزوات را که نزدیک به هشتصد صفحه میشد به گردهمائی چهارم هدیه کردم.

سکتاریسم و دگماتیسم و فرقه گرایی سنتی چپ مانع از طرح و تبلیغ این مجموعه شد. این مجموعه حاصل کار 3 رسانه و پرشماری از فعالین سیاسی بود. دریغ از یک اشاره!؟

در برنامه بود اما از برنامه حذف شد؟

تا جایی که بخاطر دارم محمود گرامی در مراسم شرکت نداشتید اما پرسیدید که چه کسانی معرفی تلاشهای گزارشگران را حذف کردند و انگیزه هایشان چه بود؟ آیا سکتاریسم و فرقه گرایی هنوز در تعیین برنامه ریزی ها و ترکیبها مهر بدست در تردد هستند؟؟

ابهامات در منابع مالی و طیف دعوت شدگان در آن گردهمایی را بعهدہ کسانی باید گذاشت که از درون خودتان و مسئولیت سازماندهی گردهمایی را بعهدہ داشتند و نقد خود را در متونی پر شمار بازگو کردند

خم ابرو نشان دادن به راست های شهر وین که از نیروهای چپ و رادیکال در هر نوعش در هراسند، یار غار اصلاح طلبانند و تنها برای شمردن جمعیت به آکسیونهای ما می آیند از برای چه بود؟؟

گفته میشود و شده است که گفتگوهای زندان خلوتگاه سازمان فدائی است. پاسخی دارید؟

چرا شروعی زیبا داشتید و امروزه رو به دنیای ابهام و تاریکی فرو میرود؟

اگر کسی نظر مرا برای دریافتهای مالی از امپریالیستها جستجو کند میتواند در این لینک ها بیابد!

رسانه های وابسته، پشتوانه یا پشت پا

جهادگران اینترنتی یا تروریستهای دنیای مجازی

از مافیای رسانه ای جمهوری اسلامی و غرب تا صدای مستقل در تبعید

تار عنکبوتی رسانه ای جمهوری اسلامی

یک مبارزه و چند جبهه - بخش دوم

زندانی در زندان بزرگتر بنام اینترنت

گردهمایی چهارم زندانیان سیاسی و ناروشنی های هویتی

یک مبارزه و چند جبهه - بخش سوم - نرخ پرنسیپ ها در دنیای چپ چقدر است؟

اینترنت ملی یا بناکردن زندانهای تازه در دنیای مجازی

از مافیای رسانه ای جمهوری اسلامی و غرب تا صدای مستقل در تبعید

نرخ ارتباط با توده ها در داخل کشور چقدر است؟

جمهوری اسلامی و تاخت و تاز در دنیای مجازی

یک مبارزه و چند جبهه - بخش سوم - نرخ پرنسیپ ها در دنیای چپ چقدر است؟

این نوشتارها در راستای روشنگری حول و حوش رسانه های امپریالیستی و تعلقات و جذابیت های برخی سازمانهای سیاسی و بویژه چپ و بلحاظ صوری رادیکال تنظیم شده است. برخوردی دو جانبه است. نقد به گزارشگران و نقد گزارشگران به تحرکات و جابجائی های سیاسی (اعلان نشده) موجود و در جریان که محسوس بوده است.

نشست خودمانی آقای بهزاد و فرخ نگهدار شاید کاتالیزاتور پخش انتقادهای اخیر بوده است. اینجانب بدلائلی که در نوشتارهای پیشین عرض کردم. این نشست در خانه خبری امپریالیستی بی بی سی فارسی را مخالف آمال و اندیشه های فدائی میدانم. شبیح سعید سلطانیپور و محمود مستعان و سایرین مرا تنها نمی گذارند. اگر آنها خیره به اعمال این طیف یا هسته هایشان باشند؟ چه واکنشی نشان میدهند؟ لبخند میزنند و یا شوریده اند؟ رویشان را بر میگردانند و یا آرزوی پیروزی و بهروزی می کنند؟

چنانچه از خواستگاهی مردمی متناسب با منافع مردم حرف میزنیم میدانیم که مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با جمهوری اسلامی نیست. همانطور که در مقطع دهه شصت همه دول امپریالیستی و نهدهایشان خفه شدند و لال تا کام نگفتند. بنابر این توسل به نهادهای دولتی امپریالیست ها مورد نکوهش قرار می گیرد.

چه گفتگوهای زندان و چه سازمانها و هسته هایشان که از خواستگاهی چپ و رادیکال نمایش میدهند نمیتوانند با یک دست از امپریالیستها تغذیه شوند و با دست دیگر علیه آنها اقدام کنند. کمکهای این دولت ها قطعاً بدون شرط و شروط و بایدهای آشکار صورت نمی گیرد. همانطور که رسانه های آنها بلندگوی مفت و مجانی به هیچیک از فعالین چپ نمی دهند. حال رسانه ای مثل رادیو زمانه باشد و یا سازمانی چپ یا هسته هایشان و یا نشریه ارش که لولا کاری میان جبهه های نا متجانس اپوزیسیون چپ میکند.

به یاد دارم در کمیته ای پناهندگی تامین مالی سالانه آن از سوی وزارتخانه ای در اتریش منوط به عدم اعتراض و برگزاری تظاهرات علیه وزارت داخله آن شد و پرهیز از واکنش علیه سیاست های ضد پناهندگی آن کشور که همین موضوع خروج برخی از ما از آن نهاد پناهندگی را موجب شد. در حالی که بیشترین سیاستهای ضد پناهندگی از سوی دولت اتریش صورت میگرفت و همچنان در بر همان لولا می چرخید.

سالها پیش بحث شکل گیری و تغذیه مالی شهرزاد نیوز در میان نیروهای اپوزیسیون مطرح شد. هنوز پرونده این نهاد باز است و میتوان از لابلای مطالب ثبت شده بیرون کشید. دریغ از اعلام موضع صریح برخی از نیروهای سازمانی چپ که در حواشی خود از این وصلت ذینفع بودند.

طبیعی است که پرونده ها باز میماند. شکی نیست که زخم هائی در اعماق هستند که مرحم نیافته اند و نخواهند یافت. سازمان هائی از این نوع نمی توانند با این نگاه به غیر سازمانی ها بنگرند که نسبت به تردد آنها میان خوب و بد، جبهه نیک و جبهه شر، نهادهای مستقل و نهادهای امپریالیستی، نیروهای غیر وابسته و دگراندیشان و نگران سکوت کنند و هیچ نگویند. آنها سازمانی که یکی از چهل تکه جنبش فدائی بوده است و امروز حتی نمی تواند بعنوان نماینده آن جنبش طرح شود.

منتقدان از جنس خود ما و شما هستند. خفه کردن آنها راه علاج بیماری چپ نیست. اینکه گزارشگران به یک وبلاگ یا سایت لینک مستقیم میدهد در فرهنگ مطبوعاتی پیش از اینکه حمایت کننده آن مطلب باشد، خبر میدهد که آن دیگری آنطور دیگر می اندیشد. این بمعنای تائید آن نظریه و یا تفکر نویسنده اش نیست. چنانچه گزارشگران به سایت گفتگوها لینک مستقیم داده است که وافر بوده است و یا به سایتهای داخل کشور که حکومتی هستند آیا معنا و مفهومش تائید محتوی آن رسانه هاست؟ نیات ما در لینک مستقیم دادن یا جنبه خبری داشتن آن موضوع است و یا جنبه افشاگری آن است. به بیانی دیگر متونی که با نام گزارشگران منتشر میشود منطبق با اندیشه های ماست و همچنین متونی که از جانب نویسندگان سایت انتشار می یابند.

سایت گزارشگران در موارد بسیاری و در طول فعالیت خود این امکان را داشت که تامین مالی و گسترش امکانات خود را بعهده نیروهائی از اپوزیسیون قرار دهد. قطعاً اگر چنین میکرد میتوانست دامنه اثرگذاری خود را بشکل تصاعدی افزایش دهد. صرف نظر کرد تا مستقل بماند و متعهد مالی نشود. خوشحالیم از این موضوع و کماکان غیر وابسته می مانیم.

درک ما از فعالیت رسانه ای مبتنی بر تجربیات چندین ساله خود در این رسانه است. انتشار مطالب متنوع و کیفی و آموزنده آن بخش از فعالیت ماست که غالباً با نظرات گردانندگان سایت همخوانی دارد. نه در تمامی جزئیات بلکه در

کلیات آن. قرار هم نیست که پژواک دهنده تمامی گرایش های سیاسی باشیم. خود ما نیز تبعیدی هستیم و آگاهییم که چرا اینجا در غربت نشسته ایم.

خبری هستیم از آنسوی که انتقال روزانه اخبار جهان و بویژه کشورمان را از دریچه نگاه چپ دمکرات مستقل معنی می بخشد. تلاش های و افری هم در تشکیل رسانه ای مستقل با نهادهای دیگر و مشابه انجام داده است. تنها در یکی از جلسات غیر علنی سازماندهی شده نزدیک به پنجاه دست اندر کار رسانه ای متنوع حاضر شدند که متاسفانه پس از یکدوره بحث ها بی نتیجه ماند. حال آنکه ضرورت تداوم اینگونه ایده ها و کوشش هاهنوز پابرجاست. و این ضرورتها ما را همواره به شروعی دوباره تحریک می کند.

بنظر من قبح امپریالیسم در میان چپ افتاده است – اینچنین ادامه می یابد

بهروز سورن

13.06.2012

Sooren001@yahoo.de

www.gozareshgar.com